

به سوی رفسانس هنری جهان اسلام

گفت‌وگو با رئیس گروه تئاتر مسلمانان انگلیس



اقدام کرده‌اند. تئاتر خیال در بدو امر با سرمایه اندکی متون عرفانی اسلامی را که از اندیشه‌های ژرف و غنی برخوردار است ترجمه کرد و کوشید عرفان اسلامی را در قالب نمایش‌های تئاتری مدرن به گونه‌ای به مخاطبان ارائه کند که پیروان ادیان مختلف بتوانند با آن ارتباط

جمعی از نویسندگان، هنرمندان، طراحان، بازیگران و نمایشنامه‌نویسان جوان انگلیسی از میان اقلیت مسلمانان این کشور برای شکستن آنچه که آنان "جوئی اعتنایی و بسی تفاوتی هنری در جوامع اسلامی" می‌نامند، در یک حرکت انقلابی در سال ۱۹۹۷ به تأسیس گروه تئاتر خیال



برقرار کرده، لذت ببرند. هدف دیگری که این تئاتر تعقیب می‌کند پر کردن خلأ معنوی جوانان در جوامع مدرن است. اکنون این گروه با هفت سال فعالیت خلاقانه و اجرای نمایشی آثاری از چهره‌های بزرگ اسلام و صوفیه مانند مولوی و فریدالدین عطار در میان مسلمانان و غیر مسلمانان انگلیسی علاقه‌مند به تئاتر جایی برای خود باز کرده است.

لقمان علی، مسلمان سیاه‌پوست آمریکایی، زبان‌شناس، مترجم، نویسنده و نمایش‌نامه‌نویس خوش ذوق و بنیانگذار تئاتر خیال است. از او درباره معنا، انگیزه، مقصود و از همه مهمتر، توحید در ورای خیال می‌پرسیم.

برگزیدن نام 'خیال' برای گروه شما یقیناً به منظور برانگیختن اندیشه و تعمق در فکر و ذهن مخاطب بوده است. در مورد علل انتخاب این نام و جایگاهش در متن پیامی که منتقل می‌کنید توضیح دهید.

- کلمه 'خیال' در اکثر زبان‌های جهان اسلام رایج است. تئاتر خیال در صدد است. تخیل خلاق را در جامعه ما احیا کند و می‌کوشد سرگذشت و پندار اسلام و میراث اسلامی را از طریق رازگشایی نمایشی به نسل این دوران معرفی نماید. به عقیده ما رمز گشایش بسیاری از مسائلی که امروزه با آن مواجهیم در تجدید حیات چنین تخیلی است. ما بدین وسیله توانسته‌ایم به جای واگرایی به سوی همگرایی، به جای جدایی و تجزیه به سوی اتحاد و انسجام برویم، و تاریخ و باورهای خود را جان بخشیده دیگران را تیر در آن سهیم سازیم.

برای درک درست و ناب از عالم غیب و یگانگی خداوند که محل ذوب اضداد است، به تخیل نیازمندیم. خداوند، قابض و باسط، مذل و معز، نافع و ضار است. برای سازگار کردن و فهماندن این تضاد ظاهری که بر وحدت ذاتی همه چیز سایه انداخته است. خواه در روابط دو جنس، خواه در پویایی‌شناسی اجتماعی یا موازانه قدرت در جهان - به تخیل نیازمندیم. پس از مجهز شدن به سلاح تخیل، کشف رموز بر ما هموار شده، می‌توانیم دامنه اندیشه خود را از زندان دنیا فراتر ببریم. رویاپردازی و خیالبافی به ساحت تخیل ما راه ندارد. منظور ما از تخیل، آن است که سازنده باشد. تخیلی که قدرت معرفتی خود را از دنیای نادیدنی صور ازلی می‌گیرد. این چنین تخیلی را میلتون به 'الهام بخشی تمدن اسلامی' تعبیر می‌کند.

مردم با داستان‌ها رویاها همذات‌پنداری کرده، آن را برای

یکدیگر نقل می‌کنند. آرزوها و سبک زندگی مردم و البته شخصیت‌ها و هویت‌ها نیز امروز در قالب داستان‌ها و رویاها شکل داده می‌شوند. پس نتیجه می‌گیریم که زندگی ما همواره تحت تأثیر داستان‌ها و رویاهایی است که بیش از همه در معرض آنها بوده‌ایم، با آنها همذات‌پنداری کرده و خود را همگونشان ساخته‌ایم. این فرآیند غالباً به شکل پنهان و نهفته می‌افتد که قرآنی از آن با نام 'غیب دنیا' یاد می‌کند و به پیامبر اکرم (ص) فرمان می‌دهد داستان انبیای گذشته را برای مردم نقل کند، شاید که متذکر شوند. باید در معرض داستان‌هایی که بازگو کننده فضایل، آرزوها و آرمان‌های ماست، قرار بگیریم تا به درک صحیحی از پندارهای اسلام نایل شویم. امروزه پندار درستی از اسلام در دسترس عموم نیست و داستان‌ها و حکایات نادرستی را درباره این دین به یکدیگر نقل می‌کنیم. برای جبران این نارسایی به تئاتر خیال متوسل شده‌ایم تا برای همه سرگرمی‌های اخلاقی و عقلانی تولید کنیم.

اهداف اصلی تئاتر خیال چیست و برای نیل به آن از چه تکنیک‌هایی استفاده می‌کنید؟

۱. تشویق انسان به کسب فضیلت از طریق ستایش عقل و نمادسازی مقدسان.

۲. کمک به گسترش گفت‌وگو و مفاهیم بین اسلام و جهان به شیوه‌ای خلاق از طریق تلفیق تئاتر دوران معاصر با ادبیات، زیباشناسی و ذوق هنری اسلام.

ما معتقدیم فرهنگ و هنر اسلام بزرگ‌ترین موهبتی است که به جامعه مسلمانان عطا شده و آنان می‌توانند از این موهبت بسرای پدید آوردن مشارکت فرهنگی و اجتماعی و گفت‌وگو با دنیا استفاده کنند و نباید از آن غفلت ورزند.

۳. احیای تخیل خلاق در اذهان و قلوب مسلمانان به عنوان وسیله‌ای برای نمایاندن افق‌های تازه از امکانات و فرصت‌ها.

به عقیده ما کلید حل بسیاری از چالش‌های درونی و بیرونی که جهان اسلام بالاخص و دنیا به طور اعم با آنها روبه‌روست، این تخیل نهفته است.

۴. معرفی جمال و زیباشناسی هنر و صنعت اسلامی و ادبیات نمایشی مفعول مانده اسلام به فرهنگ مردمی از طریق هنرهای نمایشی مهیج، ابتکاری و اصیل.

هر یک از ما در حرفه خود به عنوان بازیگر، طراح،

امروز در انگلستان،
تئاتر همچنان در
همگرایی و
مشارکت اجتماعی
و تأثیر گذاری بر
آرای عمومی و
نشان دادن
وضعیت
جامعه، کارکرد
محوری دارد.



منظور ما از تخیل، آن است که سازنده باشد. تخیلی که قدرت معرفتی خود را از دنیای نادیدنی صورت‌آزلی می‌گیرد. این چنین تخیلی را میلتون به الهام بخشی تمدن اسلامی تعبیر می‌کند

شماره ۶۲

کارگردان و غیره تکنیک‌های تئاتری متنوعی را آموخته‌ایم که از همین تجربیات در تئاتر بهره می‌گیریم ولی تئاتر یک رسانهٔ دائماً در حال تحول است و همواره با نظریه‌های کهنه و نو آزمایش و خطا، کسب تجربه می‌کند. پس مانند همیشه در حال یاد گرفتن هستیم. ما از عروسک، نمایش سایه، نورپردازی، داستانتانگویی، موسیقی، پانتومیم و نمایش با نقاب استفاده می‌کنیم. در کارهای بعدی قرار است از چند سنت تئاتری جهان اسلام مانند وایانگ کولیت اندونزی و تعزیه خوانی ایرانی استفاده کنیم. از تئاتر سایه که در دوران سلسلهٔ فاطمیون در مصر وجود داشت، سوایق کمی موجود است و لذا بر آنیم تحقیقاتی را در این باره آغاز کنیم. تکنیک و رویکرد ما این است که عمدتاً سرمایهٔ زیبایی شناختی هنر و میراث اسلامی را از طریق کارگردانی نمایش ارائه می‌کنیم نمونه‌های چنین سرمایه‌ای را در زیبایی خیره کننده و هنرمندی مجموعه‌های هنری اسلامی در موزه‌ها و گالری سراسر جهان می‌بینیم.

سراسر این‌ها رفتیم. صرفنظر از این که آثار این نویسندگان در میان متون جهان اسلام بالقوه دارای بالاترین فضای نمایشی است.

البته این سخن بدین معنا نیست که ما به متون خردمندانه و سرشار از فضیلت سایر اقوام، مذاهب و فرق اسلامی توجهی نداریم. تمام نویسندگان جهان اسلام مد نظر ما هستند. قصد داریم نمایشی را که حکایاتی از شش خرده فرهنگ جهان اسلام بوده و برگزیدهٔ آثار نویسندگان مختلفی است در تئاتر شکسپیر گلوب در لندن روی صحنه ببریم. در باب تصوف جنید می‌گفت که صوفیگری، واقعیتی بدون نام است. اکنون صوفیگری، نامی بدون واقعیت است. اسلام راه و روش جدایی‌ناپذیر و ناگسستنی زندگی است. مردمی که در ادوار مختلف از تاریخ اسلام به صیانت از دین علاقه داشتند، برای تأکید ابعاد از دین اسلام که به گمانشان مورد تهدید بود از الفاظ و اصطلاحات مختلفی استفاده می‌کردند؛ تصوف محصول همین نگرانی است که همان طور باقی مانده است و جاذبه‌اش در غرب در سراسر قرن اخیر به سبب این است که تصوف، با جوهرهٔ تابناک اسلام یعنی جست‌وجوی بشر برای بیداری و تحول معنوی چه از طریق دین‌های رسمی، چه سایر سنن و مکاتب - مرتبط است. تا زمانی که انسان در قید و بند چسبها نباشد، این‌ها می‌تواند مفید باشند. در غیر این صورت بهتر است به کناری گذاشته شود.

به گمان من رویکرد کسانی که اغلب از آنان به صوفی یاد می‌شود دارای مزیت‌های خاصی است زیرا به تحرک و پویایی تکاملی اسلام که تحول را اساساً از درون شروع می‌کند معتقد است و به مردم امکان می‌دهد طی مراتبی به طور طبیعی و ذاتی رشد کنند. نخستین مسلمانان مجذوب همین رویکرد شدند. پس چرا برای غربیان نباید جالب و جذاب باشد؟ تمایل به این آثار ناشی از همین پویایی است.



چرا برای معرفی و ترویج اسلام به آثاری از تصوف اسلامی روی آورده‌اید؟ آیا فکر می‌کنید در سرشت و زبان این سنت، چیزی هست که غربیان را جذب می‌کند؟

- بله تا به حال از آثار نویسندگانی که به صوفی معروف شده‌اند استفاده کرده‌ایم. زیرا غربی‌ها با آثار مولوی و عطار بخوبی آشنا هستند و لذا جاذبهٔ این نویسندگان، اثبات شده است. ما نیز به عنوان یک گروه نو پا ابتدا به

یکی از فعالیت‌های گروه شما تشکیل دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی است. در مورد نحوهٔ تشکیل و اجرای آنها توضیح دهید.

- ما برنامه‌ای داریم به نام "تئاتر در آموزش" که محملی است برای توسعه و سازماندهی آموزشی و کارگاه‌های نمایشی. این برنامه از یک طرف به آموزش کودکان و

ارتباط آنها با فرهنگ و میراثشان اختصاص دارد و از طرف دیگر به فرهنگ عامه جوامع چند فرهنگی غرب معطوف است. نمایش و بیان هنری در روزگار ما ابزارهای مدرن داستانگویی و خلق رویا هستند. به نظر ما باید کودکان مسلمان را از طریق این دو ابزاری که نام بردم با فضایل فرهنگ و میراثشان آشنا کرد. در غیر این صورت از سازگاری با جامعه عاجز بوده، مجبور می‌شوند بر سر دو راهی، یکی را برگزینند. ضمن اینکه از انگیزه و اعتماد به نفس کافی برای ابراز وجود در دنیای مدرن و نقل داستانها برای کسانی که آرزوی شنیدن آنها را دارند برخوردار نخواهد بود.

روش ما ترکیبی است از شیوه‌ها و فنون معاصر آموزش نمایش که در دوران فعالیت‌های هنریمان پدید آورده‌ایم. این کار بیشتر براساس خود آموزی و درک ماهیت وجود انسان استوار است و شامل نقش‌گذاری، مهارت‌های حرفه‌ای، بازی شخصیت‌ها و از این قبیل است. پس معلوم می‌شود که ابتکار و تدبیر در این آموزش‌ها به شدت از هنر آموز طلب می‌شود. مسلمانان برغم این که از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان رسانه‌ها و سرگرمی‌ها هستند به هنر و قصه‌گویی کم اهمیت می‌دهند!

ارزیابی شما از کارکرد هنر و تئاتر به عنوان ابزاری برای ادغام مسلمانان در جامعه انگلستان چیست؟

- تئاتر نخستین عرصه برای معرفی مسلمان به توده‌ها در دوران الیزابت بود. متأسفانه اغلب تصویری منفی از اسلام به توده‌ها ارائه می‌شد که اساساً برگرفته از درک تاریخی از جهان اسلام بود. امروز در انگلستان، تئاتر همچنان در همگرایی و مشارکت اجتماعی و تأثیرگذاری بر آرای عمومی و نشان دادن وضعیت جامعه، کارکرد محوری دارد. حال که این هنر بر یک فرهنگ آزاد و ارتباط‌گرا استوار شده پس برای گفت‌وگوی مستقیم با جامعه و معرفی اندیشه‌ها و قضایای جدید، امکانات بی‌شماری ارائه می‌کند. همچنین مجرای مطمئن و سهل‌الوصولی برای سرمایه‌های حیاتی اجتماعی - فرهنگی مورد نیاز مسلمانان فراهم می‌سازد. اگر آنها واقفاً می‌خواهند در جامعه ادغام شوند و دیگران به آنان نگاه کنند.

با توجه به این که هنر اسلام تنها وجهی از فرهنگ ماست که بد نام نشده پس بزرگ‌ترین سرمایه ماست. ولی هنوز هم مسلمانان آن را دست کم می‌گیرند. مسلمانان در جهان پیشرفته باید به یک رنسانس هنری دست بزنند تا شبکه‌های پایداری برای ارتباط و گفت‌وگو با هم‌تایان غیر مسلمان خود داشته باشند. بهترین هدیه به ما، گروه تئاتر خیال، این است که مسلمانان بگویند: "بالاخره چیزی پیدا شد که من و دوستان غیر مسلمانم بتوانیم مشترکاً از آن لذت ببریم."

بتدریج که تئاتر ما، فیلم و سایر اشکال هنری جهان اسلام بتواند بر فرهنگ عامیانه این جامعه تأثیر بگذارد و تخیل مردم را در اختیار بگیرد، قلوبشان را نرم کند، و آنان را از خود بیخود کند باید ببینیم فضایی که برای ما بسیار محترم است چگونه می‌تواند در این جامعه نفوذ کرده، بر آحاد مردم تأثیر گذارد.

مسلمانان در جهان پیشرفته باید به یک رنسانس هنری دست بزنند تا شبکه‌های پایداری برای ارتباط و گفت‌وگو با هم‌تایان غیر مسلمان خود داشته باشند.



امروز دیگر فرستی از اسلام در دسترس عموم نیستند داستان‌ها و حکایات نادرستی را در باره این دین به یکدیگر نقل می‌کنیم. برای جبران این نارسایی به تئاتر خیال متوسل شده‌ایم تا برای همه سرگرمی‌های اخلاقی و عقلانی تولید کنیم.